

مرور چند شعر از علیرضا قزوه با موضوع دفاع مقدس

ای سرخ تر از سرخ! بخوان سبز تر از سبز

علیرضا قزوه متولد بهمن ۱۳۴۲ از شاعران مطرح کشور در حوزه شعر دفاع مقدس است که اشعارش درون مایه های مذهبی و انقلابی شهید، شهادت و دفاع مقدس در قالب کتاب، چاپ و منتشر شده است که نمونه هایی از آن عبارتند از: قطار اندیشک، شبلی و آتش از نخلستان تا خیابان.

❶ «راز نو» برای شهید مرتضی آوینی ای یک‌ه‌سوار شرف، ای مردتر از مرد!

بالایی من! روح تو در خاک چه می کرد؟ می گفت برو، عشق چنین گفت که بشتاب می گفت بمان، عقل چنین گفت که برگرد دیروز یکی بودیم با هم، ولی امروز تو نورتر از نوری و من گردتر از گرد یک روز اگر از من و عشق تو بپرسند پیغمبرتان کیست، بگو درد، بگو درد ای سرخ تر از سرخ! بخوان سبزتر از سبز آن سوی، درختان همه زردند، همه زرد ای دست و زبان شهدا، هیچ زبانی چون حنجره‌ات داغ مرا تازه نمی کرد

❷ «اول آ،

اول مهر رسید و من در همان «اول آ، بودم مثل گنجشک دلم می‌زد، مثل کنجشک رها بودم پای یک پنجره میزی بود، چه تقلاّی عزیزی بود پنجره راه گریزی بود، خیره در پنجره‌ها بودم پشت هر پنجره دنبایی است، چشم وا کردم و بستم، آه من کجایم؟ تو کجا؟ با خویش در همین چون و چرا بودم گفت: بابا دو هجا دارد... نام من چار هجایی بود نان یکی... آب یکی... باران... مثل باران دو هجا بودم گفت: هر حرف صدا دارد... در سکون حرف زدم با خود هم صدا بودم و هم ساکت، نه سکوت و نه صدا بودم گفت: دلتنگ که ای؟ خندیدم... گریه کردم که پدر... خم شد آه بابا، بابا، بابا، سخت دلتنگ شما بودم جنگ شد، پنجره‌ها افتاد، پخچه‌ها تشنه سفر کردند هشت نهر آینه جاری شد، تشنه در کربلا بودم گفت: هی هی! تو کجایی؟ تو ... راست می گفت، کجایم من؟ تو نبودی... تو چهل سال است... من... اجازه؟... همه را بودم تو چهل سال همه غایب... تو چهل سال همه در خویش ... من چهل سال، خدای من! من چهل سال کجا بودم؟ شب است و سکوت است و ماه است و من

فغان و غم اشک و آه است و من شب و خلوت و بغض نشکفته‌ام شب و مثنوی‌های ناگفته‌ام شب و ناله‌های نهان در گلو شب و ماندن استخوان در گلو من امشب خبر می کنم درد را که آتش زند این دل سرد را بگو بشکند بغض پنهان من که گل سرزند از گریبان من مرا کشت خاموشی ناله‌ها دربخ از فراموشی لاله‌ها کجا رفت تأثیر سوز و دعا؟ کجایند مردان بی‌ادعا؟ کجایند شورآفرینان عشق؟ علمدار مردان میدان عشق کجایند مستان جام‌الست؟ دلبران عاشق، شهیدان مست همانان که از وادی دیگرند همانان که گمنام و نام‌آورند هلا، پیر هشیار درد آشنا! بریز از می صبر، در جام ما من از شرمساران روی توام ز گردی کشان سبوی توأم غرورم نمی‌خواست این سان مرا پریشان و سر در گریبان مرا غرورم نمی‌دید این روز را چنان ناله‌های جگرسوز را غرورم برای خدا بود و عشق پل محکمی بین ما بود و عشق نه، این دل سزاوار ماندن نبود سزاوار ماندن، دلم من نبود من از انتهای جنون آمدم من از زیر باران خون آمدم از آن‌جا که پرواز یعنی خدا سرانجام و آغاز یعنی خدا هلا، دین فروشان دنیاپرست! سکوت شما پشت ما را شکست چرا ره نیستید بر دشنه‌ها؟ ندادید آبی به لب تشنه‌ها نرفتید گامی به فرمان عشق نبردید راهی به میدان عشق اگر داغ دین بر جبین می‌زنید چرا دشنه بر پشت دین می‌زنید؟ خموشید و آتش به جان می‌زدید زبونید و زخم زبان می‌زدید کنون صبر باید بر این داغ‌ها که پر گل شود کوچه‌ها، باغ‌ها

زین قیدار

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

❸ **در ادامه دو نکته گذشته، بد نیست بدانیم واژه‌های مرکبی که صفت، قید یا اسم می‌سازند هم به صورت نیم‌فاصله نوشته می‌شود:**

حلقه به گوش

دست اندر کار

دست به سینه

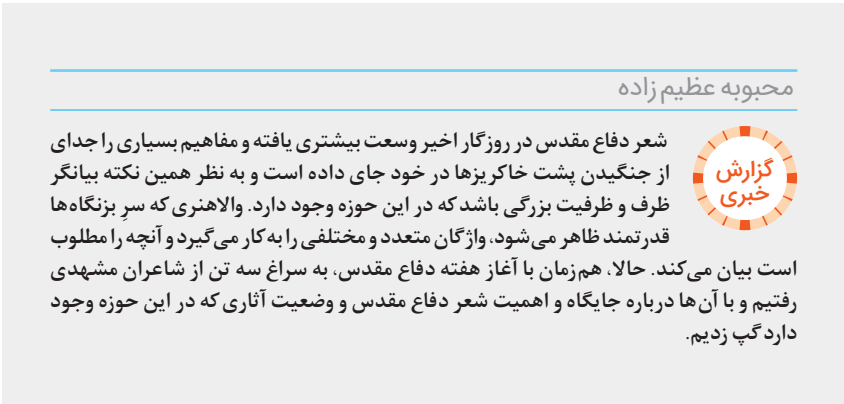
سر به راه

لحظه به لحظه

#زین_قندپارسی

دفاع مقدس فقط هشت سال نبود

گپ وگفتی با سه تن از شاعران مشهدی درباره جایگاه شعر دفاع مقدس



شعر دفاع مقدس در روزگار اخیر وسعت بیشتری یافته و مفاهیم بسیاری را جدای از جنگیدن پشت خاکریزها در خود جای داده است و به نظر همین نکته بیانگر ظرف و ظرفیت بزرگی باشد که در این حوزه وجود دارد. والا هنری که سر بزنگاه‌ها قدرتمند ظاهر می‌شود، واژگان متعدد و مختلفی را به کار می‌گیرد و آنچه را مطلوب است بیان می‌کند. حالا، هم‌زمان با آغاز هفته دفاع مقدس، به سراغ سه تن از شاعران مشهدی رفتیم و با آن‌ها درباره جایگاه و اهمیت شعر دفاع مقدس و وضعیت آثاری که در این حوزه وجود دارد گپ زدیم.

● در دفاع مقدس می‌توان ایثار و از خودگذشتگی را دید

سید حسن مبارز درباره جایگاه و اهمیت شعر دفاع مقدس می‌گوید: «دفاع به صورت کلی امری فطری و غریزی است که در فطرت انسان‌ها نهادینه شده است و بدیهی است که اگر کسی در برابر هجمه‌ها و خطرات واکنش مطلوب نشان ندهد، دچار مشکل و اختلال شده است، بنابراین اهمیت پرداختن به شعر دفاع مقدس نیز بدیهی است؛ زیرا مصداق تجلیل از دفاع مقدس، ترویج فرهنگ ایثار، شهادت و پایداری است. در دفاع مقدس می‌توان آموزه‌های دینی را مشاهده کرد و بدون شک اگر جامعه‌ای در برابر خطرات و هجمه‌ها انگیزه و توان دفاع از خود را نداشته باشد باید آماده اسارت و ذلت باشد. پرداختن به شعر دفاع مقدس، سوق دادن دل‌ها و جامعه به سمت ارزش‌های متعالی است. در دفاع مقدس می‌توان ایثار و از خود گذشتگی را دید که یکی از آموزه‌های مهم دینی ما است؛ و یوثرئون علی انفسهم و لوکان بهم خصاصه و من یوق شح نفسه فالولئک هم المفلحون. سوره مبارک حشر.»

● شاعران استان توجه خوبی به مضامین دفاع مقدس دارند

او در ادامه صحبت‌هایش درباره آثار منظومی که در این حوزه وجود دارد می‌گوید: «در یک برهه زمانی توجه به شعر دفاع مقدس به صورت کلی کمی کم‌رنگ‌تر شده بود، اما خوشبختانه مدتی است دوباره کنگره سراسری شعر دفاع مقدس به صورت جدی‌تر برگزار می‌شود. اگر بخواهم ارزیابی دقیقی از شعر دفاع مقدس با توجه به منابع موجود داشته باشیم باید بگویم که ظرفیت توجه شاعران به شعر دفاع مقدس بسیار زیاد موجود است، اما اینکه در عمل و اجرا چقدر شعرهای مربوط به دفاع مقدس سروده شده است و سطح این شعرها چگونه است نمی‌توانم ارزیابی دقیقی داشته باشم.

● **شعر دفاع مقدس را به زمان و مکان خاص محدود نکنیم** مبارز بر این باور است گاهی در جشنواره‌ها تأکید بسیار بر یک موضع خاص می‌شود که به نظر می‌رسد این محدودسازی به کاهش مشارکت شاعران در جشنواره‌ها منجر می‌شود، در صورتی که شعر دفاع مقدس را نباید محدود به زمان و مکان خاصی کنیم، ضمن اینکه نباید از آن زمان‌ها و مکان‌های خاص غافل شویم، بنابراین توسعه معنایی شعر دفاع مقدس می‌تواند به رشد مشارکت شاعران کمک کند. او می‌گوید: «نقد دیگری که در برخی شعرهای دفاع مقدس به نظر می‌رسد این است که این شعرها صرفاً حادثه محور هستند و پس از چندی به ورطه تکرار و کلیشه‌ای شدن می‌افتند. برای پیشگیری از این کلیشه‌ای شدن راه‌های مختلفی وجود دارد. مثلاً می‌توان به شعر دفاع مقدس با توجه به آموزه‌های دینی پرداخت یا شعر دفاع مقدس و حوادث روز جهان.»

● دفاع مقدس، شعر مقدس

منیژه رضوان، شاعر دیگری است که به سراغ او رفته ایم. او باور دارد از آنجا که جنگ همیشه چهره منفوری در آذهان عمومی داشته، شاید نتوان صفت مقدس را در کنار آن به راحتی به کار برد. اما دفاع به خودی خود چنان از تقدس و احترام برخوردار است که حتی بدون به کار بردن صفت مقدس افاده معنا می‌کند. او می‌گوید: «در همین راستا شعر و به تبع آن هر هنری که در راستای معرفی، تهییج و یادمان این امر مقدس آفریده شود امری مقدس و درخور احترام تلقی می‌شود. به عبارت دیگر شعر دفاع مقدس شعری مقدس است. شعر دفاع مقدس اخبار و الگوهای رفتاری را برای آیندگان معرفی می‌کند و نام و یاد دلاوری‌ها را زنده نگه می‌دارد.»

● عشق به مقدسات خاموش شدنی نیست

رضوان بر این باور است که برای ارزیابی شعر و شاعرانی که در این زمینه قلم می‌زنند، باید جور دیگری به مسئله نگاه کرد. او می‌گوید: «بیا باید نام‌ها و بزرگان را رها کنیم. ما به راحتی می‌توانیم با یک جست‌وجوی ساده نام شاعرانی را که در زمینه دفاع مقدس قلم می‌زنند پیدا کنیم، چه در کشور و

● **سید حسن مبارز: گاهی در جشنواره‌ها تأکید بسیار بر یک موضع خاص می‌شود که به نظر می‌رسد این محدودسازی به کاهش مشارکت شاعران در جشنواره‌ها منجر می‌شود، در صورتی که شعر دفاع مقدس را نباید محدود به زمان و مکان خاصی کنیم**

خاطره‌نگاری دفاع مقدس و نمرهٔ قبولی



روزنامه‌نگار روزگار

خاطره نویسی بخش مهم و شاید جدی ادبیات دفاع مقدس باشد. این گونهٔ ادبی راحتی می‌توان موفق‌ترین حوزه ادبیات دفاع مقدس به شمار آورد، هم به این دلیل که تاکنون آثار بسیاری در این گونه منتشر شده است و هم به این دلیل که می‌تواند سندی گویا و مطمئن از تاریخ هشت ساله جنگ باشد. می‌شود گفت خاطره‌نویسی که در زیرمجموعه ادبیات داستانی تعریف می‌شود، کمبود رمان خوب را جبران کرد، تا جایی که با قاطعیت باید گفت موفقیت‌های چشمگیری در حوزه خاطره‌نگاری به دست آورده‌ایم. به خاطر دارم نقل قولی از مدیر کتابخانه تخصصی جنگ حوزه هنری که بیش از نیمی از آثار در حوزهٔ دفاع مقدس مستندنگاری و خاطره است و بیشترین عنوان کتاب‌های دفاع مقدس به زندگی نامه، خاطره‌نگاری اختصاص دارد، پس از آن داستان و شعر در رده بعدی تولید کتاب در حوزه دفاع مقدس قرار دارد و کمترین آمار نیز به کتاب‌های پژوهشی دفاع مقدس اختصاص دارد.

ویژگی مهم خاطره‌نویسی این است که چه نویسنده و راوی یکی باشد و چه راوی و نویسنده جدا باشند - بخشی از تاریخ است و مردم زمینه‌ساز اصلی این نهضت تاریخ‌نویسی هستند و درواقع راهی است برای مستندسازی جنگ و ثبت در تاریخ- خاطره دلپذیرترین، نرم‌ترین و مردم‌پسندترین بخش تاریخ است. بدون حافظه تاریخی، قدرت ادامه زندگی در آینده وجود ندارد. ضمن اینکه نوع دلچسب ادبیات داستانی هم هست و از کارکرد ادبی آن نباید غفلت کرد. به همین دلیل در حوزهٔ ادبیات داستانی، خاطره‌نگاری جوهر بخش‌های دیگر ادبی را هم کشیده است. تعدد روایان در روایت این خاطرات و نیز تنوع موضوع، تنوع زمان و مکان



چه در خراسان. پس بیا باید به این مقوله از جهتی دیگر نگاه کنیم. مگر نه اینکه دفاع مقدس برای دفاع از آب و خاک و ناموس و اعتقادات و شرف و به‌طور کلی هر آنچه که مقدس است پا به زندگی ما گذاشته؟ آیا عشق به این مقدسات در سینه انسان خاموش شدنی است؟ هرگز. به نظر من شعر دفاع مقدس به طور خاص به گونه‌ای آرام به حیات خود ادامه داده و می‌دهد، اما به طور عام هر شعری که با مضمون بزرگداشت وطن، ناموس، حمیت، اعتقادات، سیدالشهدا و هر آنچه برای ما مقدس است سروده می‌شود، در مقوله شعر دفاع مقدس دسته‌بندی می‌شود.

از این جایگاه شعر دفاع مقدس هنوز که هنوز است

● **منیژه رضوان:**

مگر نیروهای مسلح یک مملکت در دوران صلح از آموزش باز می‌ایستد که توقع داشته باشیم شعر دفاع مقدس در زمان صلح یا در شرایط جدید معتالی‌تر شدن شعر دفاع مقدس باید از قدم گذاشتن در راه‌های رفته خودداری کرد

شاداب و سرزنده، ولی مخفیانه و در پوششی متفاوت در بین شاعران و سروده‌هایشان ساری و جاری است و مگر شاهنامه با آن همه پاسداشت نیکیوی‌ها و مقدسات از این منظر در ردیف شعر دفاع مقدس قرار نمی‌گیرد؟ چو ایران نباشد تن من مباد،»

● غایت نهایی برای هنر وجود ندارد با این حال، او معتقد است می‌توان روند موجود را نیز بهبود بخشید. رضوان می‌گوید: «مسئله‌ایست نهایی که به عنوان نقطه پایان برای هر نوع و گونه هنری است وجود ندارد. قالب‌های جدید، نگاه و زاویه دید متفاوت، نوآوری‌های شگفت‌انگیز،

کشف و شهادهای دست نخورده، تطابق دفاع مقدس با شرایط جدید به عنوان مثال مبارزه با بیماری کرونا، هر یک می‌توانند در تداوم سروده‌های دفاع مقدس مؤثر باشند. مگر نیروهای مسلح یک مملکت در دوران صلح از آموزش باز می‌ایستد که توقع داشته باشیم شعر دفاع مقدس در زمان صلح یا در شرایط جدید معطل بماند؟ اما برای پیشبرد و متعالی‌تر شدن شعر دفاع مقدس باید از قدم گذاشتن در راه‌های رفته خودداری کرد. هر شاعری باید بازگوکننده زاویه دید خود به این مقوله با توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای نسل جدید باشد. خواسته یا ناخواسته از روی دست هم نوشتن چیزی جز ملال و دلزدگی عاید مخاطب نمی‌کند، چنان که می‌فرماید: سخن نو آر که نو را حلاوتی دگر است.»

● **نثر دفاع مقدس از نظم آن جلوتر است**

بهژادپور حاجیان که در سنگر پزشکی مشغول به فعالیت است، معتقد است پس از انقلاب اسلامی، جنگ دومین رکن و اتفاق مهم کشور ماست که پرداختن به آن ناگزیر است: «دقیقا

به دلیل عظمت این اتفاق، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای نیز دارد و پرداختن به آن ناگزیر است.» او بر این باور است که ادبیات دفاع حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و جای کار زیادی نیز؛ و وقتی واژه «مقدس» کنار آن می‌نشیند، بار معنوی و مفهومی آن را بیشتر می‌کند. در نتیجه پرداختن به این موضوع برای شاعر باید با دقت و مسئولیت بیشتری انجام شود. پورحاجیان می‌گوید: «ایثارگری‌هایی که در جبهه‌های جنگ صورت گرفته یا جان‌هایی که در این راه فدا شده، همگی ذیل مجموعه دفاع و دفاع مقدس قرار می‌گیرد. به دلیل گستردگی مفاهیم موجود در این حوزه، نمی‌توان همه آن‌ها را شعر گنجاند. شعرهای کنونی نیز بیشتر جنبه روایی پیدا کرده است و کم‌هستند آن‌هایی که توانسته‌اند به مفهوم اصلی و سترگ آن بپردازند، به نحوی که حتی بتوان آن‌ها را به نسل‌های بعد نیز انتقال داد.» او معتقد است نثر به دلیل محدودیت‌های کمتری که نسبت به نظم دارد در این زمینه جلوتر از آن قرار دارد، اما در شعر دفاع مقدس شاید آن‌گونه که شایسته است حق مطلب ادا نشده است.

و بر اثر این «دادگری» است که نظام جهان برقرار می‌ماند، پادشاه نیز باید برای حفظ نظام آرمانی جامعه ایرانی بکوشد «دادگری» را در همه شئون فرمانروایی خویش به کار ببرد و از ستمگری بپرهیزد تا فرمانروایی‌اش جلوه‌ای از خداوندی خدا بر گستره جهان هستی باشد.

در شاهنامه فردوسی، همه شاهان آرمانی به «دادگری» و همه شاهان اهریمنی به «بیدادگری» توصیف شده‌اند و حکیم توس که در خلال داستان‌های اساطیری و تاریخی این پادشاهان، به‌ویژه جاهایی که عملکرد شاهان مشهور به «دادگری» را می‌سراید، سخنی به کنایه یا آشکار به شاهان زمانه خویش نیز می‌گوید که بدانند «دادگری» سبب تداوم پادشاهی و «ستمگری» نابودکننده آن است.

در برخی داستان‌های شاهنامه، بود یا نبودش جواز تأیید یا رد پادشاهی است، بدان معنا که اگر فرمانروایی «دادگر» بود، می‌توان او را به‌عنوان «پادشاه فره‌مند آرمانی ایرانی» تأیید کرد و از او فرمان برد و حکومت او را مشروع دانست. در نقطه مقابل، اگر پادشاهی همه ویژگی‌های لازم برای پادشاهی را داشت، اما اگر «دادگری» را رعایت نکرد و جایی ستمی به‌مردم روا داشت، مشروعیت حکومت او از میان می‌رود. از سوی دیگر، پادشاه آرمانی در فرهنگ ایران باستان همان نقشی را در گستره جامعه دارد که خداوند در جهان هستی دارد، بدان معنا که وقتی یکی از مهم‌ترین کارهای خداوند در جهان گسترش «داد گیتی‌فزای» است



شاعر و پژوهشگر روزگار

پر از عدل و داد کرد. در این بیت‌ها، پادشاه آرمانی ایران ویژگی‌هایی همچون «خردمندی»، «دادگری»، «فرمانبرداری از خداوند» و «بخشندگی» دارد و همواره باید برای «آبادانی جهان» بکوشد. هم در این بیت‌ها و هم در سراسر حماسه ملی ایران روشن می‌شود که مهم‌ترین ویژگی و عملکرد پادشاه ایرانی باید «دادگری» باشد و از این رو عباراتی همچون «داد»، «دادگری» و «دادگستری» در شاهنامه بسیار تکرار شده است. این مفهوم مهم را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد. نخست آنکه در اندیشه سیاسی ایرانی «داد» به‌معنای «عدالت» و طیفه اصلی فرمانرواست و حتی